

جشنواره فیلم فجر

برگزیدگان سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند

پایان خوش «خورشید»

● **فرانک آرتا**؛ مراسم پایانی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر شب گذشته سه‌شنبه ۲۲ بهمن در سالن همایش‌های برج میلاد با حضور هنرمندان و مسئولان و مردم برپا شد. اجرای این مراسم برعهده محمدرضا شهیدی‌فر بود.

ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره، به‌عنوان اولین سخنران مراسم ضمن اشاره به شهادت سردار قاسم سلیمانی و وقایع اخیر گفت: «این جشنواره هرسال ما را کنار هم جمع می‌کند که همراه با اشتراک‌نظرات یکدیگر، گفت‌وگوها را آغاز کنیم. حسن جشنواره این است که باعث خیزش مردمی می‌شود و در ادامه شکاف‌های اجتماعی را ترمیم و به آینده امیدوار می‌کند. به امید روزهای بهتر و آینده روشن‌تر برای ایران عزیز».

در ادامه هیئت‌داوران بخش مواد تبلیغاتی جوایز را اعلام کرد که سیمرغ بلورین بهترین عکس به مریم تخت‌کشیان برای فیلم «غلام‌رضا تختی» و سیمرغ بلورین بهترین پوستر به محمد تقی‌پور برای فیلم «۲۳ نفر» اهدا شد.

همچنین سیمرغ بلورین بهترین تیزر و آنونس به امید میرزایی برای فیلم «شاه‌کش» اهدا شد. در ادامه مراسم برگزیدگان بخش‌های فیلم کوتاه، مستند و نگاه نو معرفی شدند.

هیئت‌داوران این بخش (مهدی جعفری، مصطفی رزاق‌کریمی، هادی مقدم‌دوست، روح‌الله حجازی و فرشته طائرپور) روی صحنه حاضر شدند. سیمرغ بهترین فیلم‌کوتاه داستانی به «دایر» به کارگردانی سعید نجاتی و تهیه‌کنندگی سعید نجاتی و مهدیه غلامحسینی اهدا شد. نجاتی هم به پاس حمایت‌های انجمن سینمای جوانان ایران، جایزه خود را به مدیرعامل انجمن، سیدصادق موسوی تقدیم کرد. سیمرغ بهترین فیلم مستند به «جایی برای فرشته‌ها نیست» به کارگردانی سام کلاتری و تهیه‌کنندگی محمد شکیبانیا و محسن شاه‌محمدمیراب اهدا شد. سیمرغ بهترین فیلم بخش «نگاه نو» به فیلم «روز صفر» به کارگردانی سعید ملکان تعلق گرفت. در ادامه با حضور سیدغلامرضا موسوی و مهدی صباغزاده از «فریدون جیرانی» با عنوان بزرگداشت تجلیل شد.

همچنین با حضور سیدعباس صالحی وزیر ارشاد، حسین انتظامی رئیس سازمان سینمایی، دکتر داروغه‌زاده، منوچهر شاهسواری مدیرعامل خانه سینما و همایون اسعدیان، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما جایزه ویژه سیمرغ «سردار سلیمانی» به فیلم «آبادان یازده ۶۰» به حسن کلامی، تهیه‌کننده محصول سازمان هنری رسانه‌ای «اوج» اهدا شد. سپس جوایز بخش مسابقه سینمای ایران (سودای سیمرغ) معرفی شدند.

ترکس آبیار، عضو هیئت‌داوران، سیمرغ بهترین جلوه‌های ویژه‌بصری (CGI) اعلام کرد که جایزه به محمد برادران برای فیلم «خروج» تعلق گرفت. سعید راد جایزه بهترین جلوه‌های ویژه میدانی را معرفی کرد که در نهایت به محسن روزبهانی برای فیلم «روز صفر» تعلق گرفت. با حضور دکتر رضا پورحسین سیمرغ بهترین چهره‌پردازی به مهرداد میرکیانی برای فیلم «خروج» اهدا شد. عباس بلوندی سیمرغ بهترین طراحی لباس را به امیر ملک‌پور برای فیلم «روز صفر» و سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه را به کیوان مقدم برای فیلم «خورشیده» اهدا کرد. طهماسب صلح‌جو، منتقد سینما، سیمرغ بلورین بهترین صدا را به مهدی صالح‌کرمانی (صدابردار) و آرش قاسمی (صداگذاری) برای فیلم «شنای پروانه» اهدا کرد. مازیار میری، دیگر عضو هیئت‌داوران سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن را به بامداد افشار برای فیلم «پوست» اهدا کرد.

محمدمهدی عسگرپور نیز سیمرغ بلورین بهترین تدوین را معرفی کرد که به اسماعیل علیزاده برای فیلم «شنای پروانه» اهدا شد.

تورج اصلائی سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌برداری را به مرتضی نجفی برای فیلم «تومان» اهدا کرد. فریدون جیرانی هم سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل زن را به طناز طباطبایی برای فیلم «شنای پروانه» اهدا کرد. همچنین مازیار میری سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل مرد را به امیر آقایی برای فیلم «شنای پروانه» اهدا کرد.

در ادامه مراسم لوح تقدیر جشنواره به گروه بازیگران فیلم «خورشید» شمیلا شیرزاد، ابوالفضل شیرزاد، روح‌الله زمانی، مانی و محمد و سیدمهدی موسوی اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین نقش اصلی زن به نازنین احمدی برای فیلم «ابر بارانش گرفته» اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین نقش اصلی مرد به پیمان معادی برای فیلم «درخت گردو» تعلق گرفت. سیمرغ بلورین بهترین فیلم «هنر وتجربه» به آقایان بهرام ارک و بهمن ارک برای «پوست» اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه به نیما جاویدی و مجید مجیدی برای فیلم خورشید تعلق گرفت. سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیئت‌داوران به سعید ملکان، کارگردان و تهیه‌کننده فیلم «روز صفر» اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به محمدحسین مهدویان برای فیلم «درخت گردو» تعلق گرفت. و در نهایت «خورشید» به‌عنوان بهترین فیلم جشنواره معرفی شد و جایزه سیمرغ به آقایان امیر بنان و مجید مجیدی تعلق گرفت. در پایان هم سیمرغ ریزن از نگاه ملی به فیلم «روز صفر» و سیمرغ بلورین فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران به «شنای پروانه» تعلق گرفت.

شتر

روزنامه

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸

۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱
۱۲ فوریه ۲۰۲۰
سال هفدهم
شماره ۳۶۴۵
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹
اذان مغرب ۱۸:۰۱
اذان صبح فردا ۵:۳۰
طلوع آفتاب ۶:۵۴

روزنفرها

کارتون خواب

رامسس مورالس



قصه‌های شهر

به‌خاطر عطر نان گندم



گیتی صفرزاده

نمی‌دانم خاصیت میز و نیمکت چیست که به محض قرارگرفتن پشتش - حتی اگر بزرگ‌سال باشی و با تمایل و انتخاب خودت پشت نیمکت نشسته باشی تا درسی را بشنوی، باز میل به بازیگوشی و سربه‌هوایی ایجاد می‌شود. حالا شاید این حرف برای همه آدم‌ها صدق نکند، ولی برای من یکی در اوان دهه ۲۰ زندگی که با میل و انتخاب خودم روی نیمکت رشته جامعه‌شناسی نشسته بودم، همین‌طور بود. اما درست همان زمانی که پشت نیمکت وول می‌زدم و شکلک روی کاغذ می‌کشیدم، صدای مردی در گوشم (و وجدان بازیگوشم) زنگ زد که با لحنی غریب می‌گفت: به‌خاطر عطر نان گندم درس بخوانید. عجب! این چه کسی بود که با چنین قسم عجیب و شاعرانه‌ای می‌خواست هوش و حواس ما را به داخل کلاس بیاورد؟ زنگ واژه عطر نان گندم در گوشم، حواسم را به خودش گرفت و مدتی پس از شنیدن حرف‌هایش عطر نان گندم، جهانم را نیز پر کرد. جالب‌ترین حرفش برای جوانی چون من در آن سال‌های اوایل دهه ۷۰ این سخن بود که برخلاف این باور عمومی که بین ایرانیان روحیه کار مشارکتی و جمعی وجود ندارد، فرهنگ و سنت‌های بومی و اقتصادی ما سرشار از نمونه‌های کار مشارکتی و یاریگری است. این باور دکتر مرتضی فرهادی، استاد مردم‌شناسی بود که همین چندوقت پیش مراسمی در گرامیداشت ۷۵ سالگی‌اش به همت علی دهباشی برگزار شد. نظرش درباره یاریگری نتیجه سال‌ها پژوهش مردم‌شناسانه بود که همان سال‌ها در سنت‌های بومی و اقتصادی ما سرشار از گرامیداشت کتابی با نام فرهنگ یاریگری در ایران چاپ شد. در همین ایامی که برگزار می‌مراسم گرامیداشت فرهادی خاطرات گذشته را به یادم آورده، جشنواره

زیر آسمان جهان

حمله شبانه و مهاجرت دختران

بورکنافاسو امسال با جابه‌جایی هزار و ۲۰۰ درصدی زنان و کودکانش روبه‌رو شده است و زنان و کودکانی که برای زنده‌ماندن و فرار از کشته‌شدن توسط ارتشی که شبانه به محل زندگی‌شان حمله می‌کنند، روبه‌رو شده است؛ زنان و مردانی که با کشته‌شدن مردان و پسرانشان روبه‌رو می‌شوند. زنان و کودکانی که توانسته‌اند نجات پیدا کنند، اما اینک ناگزیرند در فضایی زندگی کنند که چندان مناسب نیست. فلیپوک کمیساریای عالی پناهندگان می‌گوید که این

قادر باستانی پژوهشگر

اصولگرایان دوست دارند در انتخابات برنده شوند، اما ترجیح می‌دهند این پیروزی در یک انتخابات پُرشور حاصل شود؛ رؤیای پارادوکسی که در غالب انتخابات تعبیر نشده است: هرگاه انتخابات پُرشور و حماسی برگزار شده است، آنها شکست خورده‌اند. سالخوردگان جناح اصولگرا، مصمم هستند که این بار سنگر مجلس را فتح کنند و همه قرائن و مقدرات، نیل آسان به شاهد پیروزی را به آنان نوید می‌دهد، گرچه تلاش می‌کنند این پیروزی آبرومندانه باشد.

آنها شاید توجه ندارند که به برکت اینترنت و فضای مجازی، توفان عظیمی در جوانان و نوباوگان شکل گرفته و قشر عظیمی سامان یافته که مثل هم فکر می‌کنند، سلاقی و ذائقه‌هایشان شبیه هم است و جوان شهری و روستایی، فقیر و غنی، باسواد و کم‌سواد، دختر و پسر، امیال، خواسته‌ها و انتظارات کمابیش یکسانی دارند و شکاف بزرگی با خواسته‌های جناح‌های مطرح سیاسی یافته‌اند که تبدیل به یک گسست جدی نسلی شده است. سالخوردگان مصمم چپ و راست، طبق رسم مالوف‌کار خود را پیش می‌برند و چندان حساسی روی توقعات فزاینده نوباوگان باز نکرده‌اند. آنها تصورشان این است که قدرت مهار و کنترل دارند، اما خوش‌بختانه یا بدبختانه، فضای کشور در مسیر دیگری پیش می‌رود. سالخوردگان مصمم و جدی بیابند و آرمان‌هایی را که به خاطر آن مبارزه کردند، زندان رفتند و برایش زحمت کشیدند، مرور نکنند؛ وضع موجود کشور، چقدر با آمال و آرزوهای آنان در ابتدای مبارزه

دیدگاه

انقلاب رسانه‌ای



صادق مدقگو دکترای مدیریت رسانه

برخی از نظریه‌پردازان سیاسی و تحلیلگران اجتماعی، «انقلاب ایران» را جنبشی نرم‌افزاری و از جنس «فرهنگ» می‌دانند؛ انقلابی که در سیر تحولات آن از خرداد ۱۳۴۲ (و چه‌بسا پیش‌تر از آن) تا بهمن ۱۳۵۷ بیش از آنکه متکی به سخت‌افزار یا همان مبارزه مسلحانه مخالفان با رژیم پهلوی باشد، جنبشی نرم بر پایه نوار کاست، کتاب و اعلامیه بوده است. آن‌چنان‌که میشل فوکو (اندیشمند و فیلسوف فرانسوی) بر این باور است که انقلاب ایران، «انقلاب نوار کاست» است و امواج این جنبش مردمی به وسیله نوارهای صوتی حاوی سخنرانی‌های امام‌خمینی(ره) یا شعارهای مردمی در تظاهرات‌ها، منتشر و فراگیر شده است. از این رو، اکثریت قریب به اتفاق زندانیان سیاسی در دوران پهلوی دوم، جرمانی از قبیل تکثیر، توزیع یا به‌همراه‌داشتن اعلامیه، کتاب و نوارکاست را مرتکب شده بودند و مبارزه مسلحانه نیز صرفاً با گروه‌های معدود چریکی منحصّر شده بود که عموماً پس از سال‌ ۱۳۵۴ محدود یا سرکوب شدند. با این اوصاف، انقلاب ایران را می‌توان جنبشی بر محور «رسانه» دانست که رهبر آن (مرحوم امام) نیز صراحتاً پیروانش را از ترور مخالفان منع کرده بود – که فارغ از بعضی از خودسری‌ها و تک‌روی‌ها – آگاهی‌بخشی، روشنگری و اطلاع‌رسانی به عنوان راهبرد و راهکار اصلی این جنبش شناخته و رسانه‌های شنیداری (نوار و رادیو بی‌بی‌سی)، نوشتاری (کتاب و اعلامیه)، شفاهی (سخنرانی و خطابه) ابزار اصلی مبارزه با حاکمیت طاغوت بود و جایگزین تفنگ و فشنگ شد.

آنچه مسلم است، حضور اثرگذار «رسانه» مقدمه و مقومه‌ای بر نهضت مردم شد و آن حرکت ملی را در بستر افکار عمومی و لایه‌های جنبشی جامعه ایرانی قوام و دوام بخشید؛ ابزاری که در دنیای امروز نیز مهم‌ترین جنگ‌افزار برای نبرد قدرت و تثبیت موقعیت محسوب می‌شود اما در سال‌های پس از پیروزی انقلاب (خواسته یا ناخواسته) عانیته به توسعه بهره‌برداری و اعتنایی به بهره‌گیری فراگیر از آن نشده است.

رسانه به عنوان رکن چهارم دموکراسی، علاوه بر اینکه ابزاری مهم برای تأثیرگذاری حاکمیت‌ها بر احساس و ادراک شهروندان محسوب می‌شود، می‌تواند به عنوان فرصت مناسبی برای ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌یاد را تلقی شده و فرایند آن را مدیریت و راهبری کند.

غفلت از این «فرصت» یا تلقی «تهدید» از حضور و فعالیت آن، ما را به‌تدریج در سپهر رسانه‌ای جهانی به انزوا برده و نبود توجه کافی به استراتژی‌های تبلیغاتی و فقدان بهره‌برداری صحیح از تاکتیک‌های رسانه‌ای در تولید و نشر محتوا، ما را در مصاف و هم‌واردی با سایر دولت‌ها و ملت‌ها مغلوب کرده است. تداوم این بی‌توجهی و بی‌فناوتی در عصر جدید، انقلاب مردم ایران را با چالش‌هایی ظخیر و جدی روبه‌رو می‌کند؛ چالش‌هایی که راه برورفت از آن، در آشتی با رسانه و فهم جایگاه ویژه آن نهاده‌است. آشتی با موجودی زنده و پویا که محدودیت‌ناپذیر است و در عصر ارتباطات نقشی فراتر از «واسطه» در پیام‌رسانی به مخاطب را بر عهده دارد.

شرق: سیدو یکمین سمینار ادواری عصب‌پژوهی اجتماعی به «شیخ سرگردان ارتور جنسن: نگاه به ریشه صفات و توانایی‌های بشری» اختصاص دارد. یکی از سخنرانان این نشست دکتر آذرخش مکری است. این سمینار روز پنجشنبه، ۲۴ بهمن‌ماه، از ساعت هشت‌و نیمت تا یازده‌و نیم صبح در سالن کنفرانس بیمارستان ایرانمهر (خیابان شریعتی، دوراهی قلهک) برگزار می‌شود. در پایان نشست نیز صاحب‌نظران و علاقه‌مندان درباره موضوع به

صاف و ساده

سالخوردگان مصمم و نوباوگان منتقد

خدایامرز حسین قندی، استاد فقید روزنامه‌نگاری، در درس ویراستاری و مدیریت اخبار می‌گفت یک خبرنگار باید بتواند حدود جمعیت حاضر در خیابان را تخمین بزند. او برای تقریب ذهن دانشجویان، مثال می‌زد که اگر فاصله میدان امام حسین تا میدان آزادی در تهران پُر از جمعیت شود، عدد تخمین آن حدود ۵۰۰ هزار نفر خواهد بود؛ یعنی پنج درصد از جمعیت ۱۰ میلیونی تهران بزرگ. دل‌بستن به چنین جمعیت‌هایی که زمانی انزگزار بود، امروز مفهوم گریز تعمدی از واقعیت صحنه را به ذهن متبادر می‌کند.

متولیان جناح‌های سیاسی در انتخابات آتی برای درک درست وضعیت، آمار رای‌دهندگان و رای‌ندهندگان زیر ۴۰ سال را درست تحلیل کنند و تغییرات شگرف اجتماعی در لایه‌های زیرین جامعه ایران را بعینه ببینند. پافشاری آنها بر روش‌های گذشته و بی‌توجهی به تغییرات، دل‌بستن به برخی هواداران و طرفداران پُرسروصدایی که گاه درون و بروانش یکسان نیست و شاید در پی منافع‌ی گرد آمده‌اند، نتایج غیرقابل‌انتظاری برای مُلک و میهن خواهد داشت. راه درست، تلاش برای جلوگیری از گسست بیشتر، دست‌برداشتن از روش‌هایی که در ۵۰، ۴۰ سال جواب نداده و در آینده هم نتیجه نخواهد داشت، دل‌خوش نبودن به موهومات و توهمات و توجه عملی به واقعیت‌های تلخ و مواجهه اثربخش با آنهاست. اینک نوباوگان خسته از تکرار، همانند گرمی در تقلاّی بیرون‌آمدن از پیله ضخیم خود هستند. اگر دولتمردان گسست موجود را ترمیم کنند، فاصله‌ها را کم و آنها را درک کنند، زبان مشترک بیابند و از برج عاج پایین بیابند و هم‌سخن‌شان شوند، آن‌گاه همین نوباوگان، پروانه‌های زیبایی می‌شوند که در قلمرو ارزشی موجود، به پرواز در می‌آیند و کشورمان را به کستانی دلپذیر و نمونه تبدیل می‌کنند.

روایت

پروتکل جهانی، با اجرای روستایی



احمد میراحسان

آیا جشنواره فیلم فجر در مرکز استان‌ها آبرومندانه و شایسته جشنی ملی برگزار می‌شود یا فقدان قواعد محترم برگزاری برنامه‌ای در انداز‌ه‌های نمایشی ملی و ناتوانی در درک اهمیت انضباط و ضوابط در نقاطی هرج‌ومرج و بلبشو و روابط بی‌قاعده پدید می‌آورد که به‌جای لذت جشن، نتیجه معکوس دارد؟

راستش نمی‌توان حکمی کلی و همیشگی و همه‌جایی صادر کرد. زمانی در اصفهان زاون و در گیلان مهرانفر اهل سینما در سازوکار جشنواره‌ها در استان‌ها نقش مستقیم داشتند و مراسم آبرومندانه و حرفه‌ای اجرا می‌شد، اما امروز همین تکرار محدود جشنواره فیلم فجر، مثلاً در گیلان در حد یک عروسی روستایی مدیریت می‌شود.

مقصود همان محیط متکی به روابط و آمودوشد دلخواه و عدم ضرورت آداب مضبوط و استانداردهای تعریف‌شده رسمی است. بیایید چند سکانس یک سانس از نمایش فیلم در رشت را که خود شاهد بودم مرور کنیم.

منتقدی شتابان به دم ورودی سینما می‌رسد. با خاطر جمع برنامه هرساله که کارت ورود را دم در به اهالی سینما می‌دادند، وارد می‌شود، اما با حیرت می‌بیند با رفتاری موهن جولیشر را می‌گیرد. او منتقدی شناخته‌شده در ایران است. برنده جایزه برترین منتقد سال ۸۳، برنده نقد کتاب سال ۸۴، عضو انجمن منتقدان سینمای ایران، عضو انجمن سینماگران و کارگردانان خانه سینما، مستندساز و دارای جوایز فیلم‌های مستندش، مؤلف کتاب سینمایی و نقد ادبی و شعر، دعوت‌شده برای کنفرانس‌های جهانی در زمینه مطالعات فرهنگی سینما، انتشار مقاله در مجلات معتبر داخلی، خارجی، سخنرانی و ... حال این منتقد که بنا به دلایلی ناگزیر از اقامت در گیلان شده و از کارت مخصوصش برای دیدن فیلم در تهران استفاده نکرده و برای رساندن نقد به مطبوعات سراسری ناگزیر به تماشای فیلم در رشت بوده، درحالی‌که تعداد فراوانی مدعوی بی‌ربط به نام میهمان در حال ورود به سالن هستند، مأمور ارشاد به ایشان می‌گوید که باید بلیت می‌خریدند و ...

سکانس دوم:

فیلم شروع می‌شود به زبان آذری است، اما پروژکتور تنظیم نیست و زیرنویس حذف شده. کسی هم لب به اعتراض نمی‌کشد. با صدای بلند اعتراض می‌کنم، صدای دیگران هم درمی‌آید، بالاخره مجبور می‌شوند توجه کنند. نمایش متوقف و کادر تصحیح می‌شود.

سکانس دیگر:

منتقد دیگری تلفنی می‌گوید سالن پایین بلبشویی است و کسی نیست نظم را برقرار کند و ...

اصلاً این فضای غیرمسلوانه حتی درخو یک میهمانی خصوصی هست؟ آقایان کمی محترمانه‌تر جشن‌های ملی و دینی و سینمایی را برگزار کنید؛ ناسلامتی مسئول برگزاری، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

اتفاق

ریشه صفات و توانایی‌های بشری

به همین دلیل در سال‌های اخیر تمرکز سخنرانی‌ها بر بعد ازجسمی کارکرد مغز بوده است. این سخنرانی‌ها ازجسمی متخصصان حوزه‌های مختلف علوم اعصاب و به‌صورت بینارشته‌ای هر ماه یک‌بار در بیمارستان شهدای تجریش برای عموم برگزار می‌شده است. البته این سخنرانی‌ها مدتی است در بیمارستان ایرانمهر برگزار می‌شود. امسال این سخنرانی‌ها برای بیست‌وسومین سال متوالی در حال برگزاری است.

بحث و تبادل‌نظر می‌پردازند. در این جلسه ورود برای عموم آزاد است. گفتنی است دکتر عبدالرحمن نجلر‌حجیم از جمله پایه‌گذاران سلسله سمینارهای عصب‌پژوهی در ایران است. این سمینارها از سال ۷۴ در ایران با عنوان سمینارهای عصب‌پژوهی آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته است. از آنجا که اهمیت بررسی کارکرد اجتماعی مغز در عصب‌پژوهی مدرن به‌طور روزافزونی در حال افزایش است نام این سمینارها به عصب‌پژوهی اجتماعی تغییر پیدا کرد.